

چگونه کتابی مطالعه کنیم؟

* گنجینه پندها و کلید خوشبختیها * محیط جان فز اوروح پرور
* شیرین دهان بگفتن حلوا نمیشود * خوب بود
* مار خوش خط و خال ! * سخنی بانویسندگان و جوانان
* گنجینه پندها و کلید . . .

سخن در باره ستایش کتاب زیاد گفته شده و سخنسرایان و ارباب فضل و ادب در پیرامون آن داد سخن داده اند ، نویسندگان ارجمند هنر قلمی خود را در این موضوع بجلوه در آورده اند ، دانشمندان که دانش خود را رهین کتاب دانسته و از آن سرچشمه آب زندگی نوشیده اند ، در مقام شکر گذاری بر آمده و آن را بس ستوده اند .

یکی مینویسد : کتاب گنجینه زیبائیهاست ، کتاب آینه شعله نبوغ است ، کتاب بهترین سرمشق و عالیترین راهنمای بشری در صحنه زندگی است ، کتاب گنجینه پندها و عبرتها و کلید خوشبختیها است کتاب . . . کتاب . . . (۱)

دیگری میگوید : کتاب آموزگاری است که مفت و بلاعوض ما را تعلیم میدهد هیچوقت از ما ملول نشده و همیشه در انتظارمان باقی است . هر وقت روبروی آن آوریم با چهره گشاده ما را میپذیرد و مکنونات خاطر خود را بدون دریغ در اختیارمان میگذارد، از آزارها و مناقشه و جدال مادلگیر نمیشود ، هر چه پرسیم با ملامت بما جواب

داده و هر چه را ندانیم با مهربانی بما می آموزد؛ هیچ وقت مارا سرزنش نموده و معلومات خود را برخ ما نمیکشد...

باز میگوید: بدون تردید کتاب بهترین مونس و صاحب انسان است، زیرا مصاحبت با کتاب مارا از محیط مردم عادی بالا برده و در دنیائی از افکار و تصورات عالی داخل میکند و با مردمان بزرگ دمساز و همنشین میسازد.

از دانشمند دیگری نقل کرده که او میگوید: کتاب دوست مهربانی است که هیچ وقت براه نفاق نمی رود، راهنمای باوفائی است که معبر حیات را بمان نشان داده راه عفت و فضیلت را جلوی پایمان میگذارد. مصاحب شیرین-زبانی است که با سخنان دلنواز خود ما را از بند غم آزاد میکند. (۱)

محیط جانفزاور و حپرور

گاهی هم منظره دلربا و محیط جانفزی کتابخانه را در نظر گرفته و با آن عشق ورزی نموده و آنرا ستوده اند. آن یک مینویسد: ... کتابخانه که محیط دانش و سرزمین فضیلت و اخلاص است، طایر روح ما را از دنیای ناپایدار و فانی بعالم جاودانی و آسمان قدس الهی پرواز میدهد، کتاب گل است و کتابخانه گلزاری است روح پرور یا این تفاوت که گلها را خزان در پیش است ولی گلزار علم و ادب هیچگاه دچار خزان نمیشود... (۲).

و آن دیگری میسراید: .. از کتابخانه غافل نشوید که بهتر از آن جائی نیست.. وقتی وارد کتابخانه میشوید بصورت ظاهر قفسه هائی

(۱) ارمغان رمضان سال دوم

(۲) نامه ندای حق شماره ۶۶۷

را می بینید که کتب و اوراقی در آن جای داده شده و هیچ صدائی بگوش نمی رسد ، ولی وقتی روی صندلی پشت میز مطالعه می نشینید ، کتابهای خاموش زبان می گشایند ، گوئی محیط عوض شده ، و شما بر بالهای فکر نشسته با سرعتی حیرت انگیز آسمان و زمین را درمی نوردید . (۱)

✦ شیرین دهان بگفتن . .

آری سخن در این باره بسیار و آنچه را گفته و نوشته اند بجای و بموقع هم میباشد و هر چه درباره کتاب و کتابخانه سروده شود باز کم است زیرا مایه سعادت و فضیلت و پایه کرامت و شرافت آدمی علم است و بسط و نشر علم و یاد دادن و یاد گرفتن دانش هم بدون کتاب میسر نیست . ولی ، آیا با این سخن سرائیها و لفظ پردازیها درد جهل و نادانی و بیماری پستی و گمراهی بشر دوا میشود؟ آیا با گفتن حلوا کام و ذائقه آدمی شیرین میگردد؟ آیا هر کتابی دارای ارزش ، و شایسته اینگونه ستایش است ؟ آیا همه کس میتواند ولیاقت دارد که با کتاب انس گیرد؟ و هر کس که کتابی در دست گرفت ، از آن بهره مند میشود ؟ آیا . و آیا؟ جواب همه این پرسشها این است که نه ! ، بلکه برای ارزش داشتن کتاب ، شرائطی ، و برای بهره گیری از آن اوصافی ، و برای این برخورداری نیز چون برخورداریهای دیگر زندگی مقدماتی لازم است تا نتیجه مطلوبه حاصل گردد ، و گرنه همان است که گفته اند :
نه هر که آینه سازد سکندری داند . .

خوب تعبیری کرده است مؤلف دانشمند **ارمغان رمضان** که آن مقاله شیرین را درباره کتاب و ستایش آن ، بنام: **نمونه ای از انشاء عصر**

حاضر، نامیده است .

و حقا هم بیشتر این گفته‌ها و نوشته‌ها انشائی بیش نبوده و از سر زبانها و نوک قلمها تجاوز ننموده و یا از پرده گوشها و صفحه کاغذها بالاتر نمی‌رود .

شنیده میشود که پیشوایان علم و فضیلت و رهبران دینی در باره مال و ارزش آن گفته‌اند: **نعم المال الصالح للرجل الصالح** (خوب چیزی است مال شایسته برای مرد آراسته) ماعین همان سخن را گرفته و در باره کتاب و مصاحب کتاب میگوئیم :

چه خوب سرمایه ای و بزرگ نعمتی و نیکو رفیقی است کتاب خوب و شایسته، هر گاه در نزد جوانی آراسته و خردمند و مردی شایسته و فضیلت دوست واقع شود .

✦ خوب و بد !

اصولا خوبی و بدی و زشتی و زیبائی و حق و باطل، در این جهان ماده و طبیعت بهم آمیخته و گریبان همه انواع را گرفته، بعضی افراد را با ارزش و سرفراز، و برخی را پست و ننگین ساخته است .

عالم و دانشمند پارسائی که بعلم خود عمل نماید، سلطان و حاکم عادل که دلسوز و غمخوار ملت باشد، تاجر و صنعتگری که امین و درستکار باشد، پیشه‌ور و کاریگری که کار خود را درست انجام دهد، غنی و توانگری که نیکوکار بوده و به بینوایان کمک نماید، فقیر و تهیدستی که دین و عفت خود را نگهدارد، مردی که . . . ژنی که . . . جوانی که . . . و خلاصه هر که و هر چه بوظیفه خود عمل کرده و موجودی سودمند و ثمر بخش بوده و خاصیت و فائده وجودی خود را از دست نداده

باشد خوب است ، و برعکس، آن عالم و آن پادشاه و آن تاجر، آن کارگر، آن توانگر، آن فقیر، آن . . . و آن . . . که بوظیفه خود عمل ننموده و بی ثمر و زیان بخش بوده و فائده و خاصیت وجودی خود را از دست داده و فاسد شده باشد بد است .

آب ، مایه زندگی و پایه وجود هر زنده ای است **وجعلنا من الماء کل شیء حی (۱)** مع الوصف همین آب گاهی شیرین و گاهی تلخ است، گاهی زلال و گاهی تیره است ؛ گاهی پاکیزه و گاهی متعفن و گندیده است ، گاهی بصورت باران و چشمه سار^۱ و جویبار جلوه نموده مایه زندگی و شادابی گل و گیاه ، باغ و صحرا و حیوان و انسان میشود و گاهی هم بصورت سیلی خروشان درآمده ، همان گیاه و درخت دست پرورده خود را ریشه کن کرده ، خانه و هستی آن حیوان و انسان را ویران نموده و نابود میکند .

انسان ، این گل سرسبد باغ هستی ، و شاه باز بلند پرواز عالم آفرینش گاهی راه تکامل را پیش گرفته و روبروی خداوند نموده و بجانب بالا سیر میکند و باصطلاح خوب از کار در میآید ، از فرشتگان پاکتر و پاکیزه تر و برتر و ارجمندتر میشود، و گاهی روبروی شیطنت آورده و راه شهوت و حیوانیت را پیموده و بد از کار در میآید ، و از هر حیوان و جنبنده ای پست تر و بی ارزش تر میشود (۲)

(۱) سوره انبیاء - آیه ۳۱

(۲) قرآن کریم در سوره انفال ، مردم بیخرد را که نیروهای آنها درست کار

نمیکند از هر جنبنده ای بدتر می شمارد.

✽ مارخوش خط و خال ؟

از موضوع سخن دور نیفتاده و از مطلب خارج نشویم ، کتاب که پدیده فکر و اندیشه بشر و آینه تجلی روح و شخصیت او می باشد نیز از این تقسیم برکنار نبوده ، گاهی خوب و گاهی بد از کار در می آید . اگر از فکر پاک و روح کامل و سینه با دانش و خرد ، سرچشمه گرفته و با آلودگیهای شهوت و تعصب و تقلید آمیخته نشده و تحت تأثیر محیطهای فاسد و پلید واقع نگردید ، و خلاصه بحال انسانها نافع بوده و اثرات زیان بخش در جسم و جان و زندگی انسانی او باقی نگذاشت آن کتاب خوب است و آنچه در ستایش آن گفته و نوشته اند بجا است . از گل لطیف تر و از گوهر گرانبهاتر است ، از هریاری دمسازتر و از هر راهنمایی مهر بانتر است .

ولی اگر همین کتاب ، از فکر ناپاک ؛ و دانش آلوده و روح فاسد تراوش نموده و یا تحت تأثیر هواها و هوسها و محیطهای مسموم واقع شده و یا تقلیدها و عصبیتهای ناروا و ناپجا در آن اثر گذاشت ، آنوقت است که بجای آن ستایشها باید گفت : کتاب ، دفینه زشتیها و بدیها و سرچشمه همه مفساد و بدبختیها است ، کتاب آتش سوزنده ای است که هر چند شعله ظاهر آن فروزان و دلربا است ولی نتیجه آن سوختن همه شرفها و فضیلتها است ، کتاب مارخوش خط و خالی است که صورتی جالب ولی حقیقتی کشنده دارد ، کتاب ، دشمنی است دوست نما و شیرین زبان که با وسوسه های سحر آمیز خود ، همه فضائل را از آدمی سلب نموده و انسانرا بسوی منجلاب فحشاء و ناپاکی میکشاند ، کتاب . . . !
کتاب . . . !

پس کتاب خوب، بهترین سرمایه گرانها و زیباترین یاردمساز و نیکوترین مربی و آموزگار آدمی است. و کتاب بد؛ بی ارزش ترین سرمایه و زشت ترین و بدخوترین مونس و قوی ترین وسیله گمراهی و انحراف میباشد؛ کتاب یار و روزنامه و مجله، اگر بدوزیا نبخش باشد همان یار بدی است که بگفته آن شاعر از ما رب بدتر است.

مار بدتنها تو را بر جان زند یار بد بر جان ویر ایمان زند

سخنی بانویسندگان

اینک روی سخن را بنویسندگان ارجمند نموده و میگوئیم: اگر باور دارید که نوشته شما بهر صورت و هر شکل که باشد، بهر نام و هر عنوان که عرض اندام نماید، در روحیه و افکار خوانندگان خصوصاً نوباوگان و جوانان اثر گذاشته و کم یا بیش در سعادت یا شقاوت و راهیابی یا گمراهی آنان کمک مینماید و در نتیجه، در ساختمان جامعه و پدید آوردن محیط خوب یا بد مؤثر است، خوب است قدری اندیشیده و میزان مسئولیت خود را در نظر گرفته، سپس اقدام باین کار با اهمیت نمائید. زیرا حساب کار شما از کار دیگران جدا است.

اگر يك کار گر یا پیشه‌ور، يك داروگر یا غذا فروش و مانند آنها، در کار خود خیانت نموده و مراعات سلامت و امانت را نمایند هر چند گناه آنها خیلی بزرگ و نابخشودنی است ولی نهایت زیان آن جنس معیوب و غذای فاسد و داروی تقلبی که او بازار آورده، مقداری ضرر مالی است که مثلاً آن کفش زودتر پاره میشود، رنگ آن لباس زود تغییر میکند، آن غذا سبب بیماری میشود، و احیاناً آن دارو بیمار را تلف میکند. این عمل بسیار زشت و صاحب آن در نزد وجدان و خرد

مسئول و در محکمه عدل خدا و خلق، محکوم است ولی زیان خیانت و بی‌مبالاتی در مقام نویسنده‌گی و تالیف، بمراتب شدیدتر و گناه آن بزرگتر است زیرا نویسنده‌ای که مراعات اصول تقوی و عفت و ارشاد و هدایت را ننموده از دروغ پرهیز نکرده و از ناسزا و تهمت پروا ندارد، بنوامیس ملی و دینی، و مقدسات مذهبی و اعتقادی جامعه‌ای احترام نگذاشته و شرف و آبرو و حیثیت آنان را جریحه دار مینماید، فحشاء و جنایات را در میان آنان ترویج نموده و ارزش راستی و درستی و پاکی را از میان ببرد، چنین نویسنده نه تنها بجسم و جان افراد لطمه وارد کرده و هزاران زیانهای مالی و بدنی بآنان میزند، بلکه در اثر فاسد کردن اخلاق و ایمان و کشتن روح تقوی و فضیلت؛ مسیر جامعه را عوض کرده و آنان را از راه خدا پرستی و راستی و درستی بسوی شیطنت و فساد و ناپاکی منحرف مینماید. و همان کارگردانان فاسد اجتماع را بوجود می‌آورد.

راستی خیلی شگفت آور است که در یک ستون روزنامه یا یک صفحه مجله‌ای انسان مطالعه میکند، که با آب و تاب هر چه زیادتری از یک نفر شیرینی فروش یا غذاپزی که مثلاً روغن شیرینی او قدری کهنه یا گوشت غذایش اندکی مانده بوده است نکوهش نموده و او را بی‌ساز و سرزنش گرفته و از هر گونه ناسزا و ناپاکی و ناسزا و نوع او دریغ نداشته و احیاناً پای دین و مذهب و آئین و مصلک او را نیز بمیان کشیده و هر چه بقلم آمده مینویسند، ولی در ستون دیگر همان روزنامه، یا صفحه دیگر همان مجله، مشاهده میشود که با نوشتن داستانهای عشقی و شهوت انگیز و گراور کردن عکسهای مهیج و منافی عفت، روح

جوانان و نوباوگان را مسموم نموده و دختران و پسران مسلمان را رو
بفساد و منجلاب فحشاء میکشاند.^۴

ما درباره وظائف نویسندگان و شرائط نویسندگی در شماره‌های
آینده این نشریه باز صحبت میکنیم و اینک سخنی هم با اهل مطالعه کتاب داریم
سخنی هم با جوانان:

هر چند علم و فضیلت گوهری است که قابل ارزیابی نبوده و برای
بدست آوردن آن موسم و فصلی نیست و درباره آن سروده شده است :
چنین گفت پیغمبر راستگوی : ز گهواره تا گوردانش بجوی
و هر اندازه هم که فردی در مراتب دانشمندی بالا برود باز از مطالعه کتاب
و فرا گرفتن دانش و کسب فضیلت بی نیاز نمیشود، زیرا دایره علوم و دانشها
بقدری وسیع و پهناور است که پایان ندارد ، مع الوصف در این قسمت که
بیشتر روی سخن ما با دانشجویان عزیز و جوانان ارجمند میباشد
چند نکته را نیز تذکر میدهم، شاید که بحال آنان و جامعه سودمند افتد :
۱ - تا زمانیکه با محیط دبستان و دبیرستان و سازمانهای دانشگاهی

مأنوس و قریب‌العهد میباشید و در اثر درآمدن در محیطهای زندگی و
فعالیت و صحنه بازار و سیاست، شیرینی دانش و کمال را فراموش نکرده‌اید،
موقع را مغتنم شمرده و تا میتوانید با کتاب و مطالعه سروکار داشته و جز
بمقدار ضرورت، حتی خستگیهای خود را نیز با تفنن در مطالعه و گذراندن
در محیط کتابخانه‌ها بر طرف سازید روزهای تعطیل و ساعات تفریح را هم
که بادوستان بیباغ و بوستان میروید بجای آلات موسیقی و قمار و فراهم
ساختن وسائل ناپاکی و آلودگی چند جلد کتاب ادبی و تاریخی که

ضمانت اخلاقی و مذهبی داشته باشد ، همراه ببرید یقین داشته باشید که پاکترین همدم و دمسازترین مونس شما خواهد بود که هیچگونه زیانی نداشته و مفسده‌ای بار نیاورده و رفع خستگی شمارا هم بهتر از تار و طنبور و خدای نخواستہ عرق و ورق مینماید .

علاوه روی این امر اندیشیده و باور کنید که طبع آدمی طوری است که با هر چه انس گرفت و آشنائی بیشتری پیدا کرد از آن لذت میبرد و نمیشود گفت کدام يك از آنها لذتش بیشتر است در شرح حال دانشمند بزرگ و عظیم الشأن اسلام شیخ طوسی مینویسند که : هر گاه در نیمه شبی پس از تحمل رنج بیداری و شب نخوابی ، مسئله‌ای از دانش را فهمیده و مشکل علمی را حل مینمود بی اختیار فریاد میکرد : این الملوک و بناء الملوک ؟ کجایند پادشاهان و پادشاهزادگان که لذت و نشاط علمی مرا مشاهده نموده و حسرت ببرند ؟ (۱)

بنابر این تاهمیتوانید روح علم دوستی و دانش طلبی را حفظ کرده و این کمال روحی را از دست ندهید **کتابخانه مدرسه لیسبنا تم**

۲ - دردنیای مادی امروز معمول است که با سرو صدای زیادی تبلیغات برای پس انداز پول و ثروت نموده و مخصوصاً سازمانهای بانکی و سودجوئی ، برای صرفه کار خود با سازوبرگهای جالب و فریبنده - ای کودکان و جوانان ، زنان و مردان رادعوت بپس انداز میکنند .

ما فعلاً کاری بسودوزیان و افراط و تفریط در آن جهت نداریم ولی اینقدر میدانیم که بزرگترین سرمایه و باارزشترین ثروتی که باید

در دوران جوانی بدست آورده و برای آینده - امانه تنها آینده‌ای که آنها در تبلیغات خود میگویند : مصیبت بودپیری و نیستی ! -

بلکه آینده دور و درازتر، آن آینده‌ای که پایان ندارد که دوران پیری یکی از مراحل ابتدائی آن بشمار میرود، آری آن ثروت و سرمایه - ای که باید برای دوران زندگی این جهان و جهان پس از مرگ ذخیره شود ، دانش و فضیلت ، ادب و کمال است که جز با مطالعه کتب و انس گرفتن با دانشمندان و آثار علمی آنها فراهم نمیشود .

آری ؛ بیسوادی ! (امانه تنها سواد خواندن و نوشتن) کوری است اما (نه کوری درد دنیا فقط بلکه) کوری در امر زندگی و پیمودن راه سعادت درد دنیا و آخرت !

پیشوای بزرگ مذهب شیعه امام صادق علیه السلام میفرمود : دوست دارم که با تازیانه بر سر اصحاب و شاگردان خود بزنم تا دانای در دین شوند و نیز میفرمود : اگر جوانی از جوانان شیعه را مشاهده کنم که از علم دین بی بهره است آوزا اذنب میکنم (۱)

یکی از دانشمندان غرب میگوید : « کتاب برای جوانان راهنمائیت است که آنانرا بطرف شرافت و فضیلت میکشاند ، زیرا جوانی ، مخلوطی از هیجان و غرور است و برای پیران مایه تسلیتی است که آنها را از محنت و بدبختی رهائی میدهد ؛ زیرا پیری دوره وحشت و ظلمت زندگی است »

آند دیگری میگوید : « مطالعه تاریخ ، جوانانرا پیر میکند یعنی در عین جوانی آنها را از تجربیات پیری برخوردار میسازد و دائره

فکرشانراوسعت میدهد. (۱)

۳ - این راهم بدانید : صحنه زندگی مادی که همه روزه در گردش است و در آن مبارزات و صرف نیروها میشود ، همین است که پولی فراهم شده و بمصارفی برسد و بیشتر رنجها و زردخوردها و ککش و کوششها در همین راه است و فرصت آن چندان از دست نمیرود ؛ ولی آنچه فراغت بیشتری لازم داشته و باید در دوران جوانی و آزادی که گرفتاری زندگی مادی ، کمتر و پیرشانیهای فکری زیاد نشده است ؛ فرصت را غنیمت شمرده و آن سرمایه را بدست آورد ؛ سرمایه دانش و ادب و فضل و کمال است ، پس تا میتوانید این فرصت را از دست ندهید .

در اینکه نیازمندیهای علمی آدمی بسیار و هر اندازه از این سرمایه بدست آورد باز هم کم است در شماره های آینده انشاء الله تعالی باز صحبت میکنیم .

۴ - نکته دیگر اینکه : در این قسمت از انجام وظیفه ، نیز کاملاً بیدار باشید و عقل را بر احساسات پیروزی دهید و هر کتاب یا مجله یا روزنامه ای را که ظاهری فریبنده و طعمی شیرین داشته ولی ممکن است درون آن زهر کشنده و خطرناک باشد مطالعه نکنید ، و آنگونه نشریات را که بدست مردم پول پرست و مادی یا طرفداران مسلکهای فساد و بی ایمانی فراهم میشود ، بزرگترین دشمنان دانسته و سخت از آنها بپرهیزید . و تاروی میزان خرد و تجربه و مشورت با دانشمندان اهل فن از پاک و راستی و خیر خواهی نویسنده ای یا کتابی اطمینان پیدا نکنید

با آن آشنا نشده و انس نگیرید ، که بسیار بسیار خطرناک است .
 بدانید و باور کنید که بیشتر گمراهیها و انحرافها که برای نسل
 بشر خصوصاً طبقه جوان فراهم شده یا میشود در اثر مطالعه نوشته‌های
 ناپاک و مسموم ، و داستانهای شهوت‌انگیز عشقی و پلیسی و ورمی باشد که
 متأسفانه با کمال بی‌قید و شرطی در میان جامعه مارواج یافته و فراوان
 شده است .

هنوز هم شمع ؟

در جرائد و نشریات میخوانید که ملت امریکا برای زنده نگه داشتن
 نام پیشوای ملی خودشان کندی ۸۰ میلیون تومان هدیه میکنند که
 کتابخانه عمومی بنام او تأسیس شود ، ولی ملت ایران که خود را پیرو
 مکتب علم و فضیلت خاندان پیغمبر (ص) میدانند ، با اینکه امروز
 حرمها مقبره های بزرگان دین غرق نور برق میباشد باز هم شمع
 هدیه میکنند و بگمان خود کار خیر بزرگی انجام داده اند .

بهترین شمع و چراغ و با ارزش‌ترین هدیه بروح آن بزرگواران
 هدیه کردن کتاب بکتابخانه عمومی خصوصاً کتابخانه عمومی مسجد
 اعظم یادگار بزرگ آیه الله بروجردی است .